

# نطق فروغی در کنفرانس صلح پاریس

در ۱۹۱۹

## وضع کشور ایران قبل از جنگ - حین جنگ - و بعد از جنگ

مملکت ایران بعدی دور و از وضع آن بی اطلاع هستند که هرگاه درباب این کشور بحث بیشتری شود بی فایده نخواهد بود .

اکنون که سرنوشت دنیا در پاریس باید معلوم شود جا دارد که چگونگی وضع ایران را نسبت به گذشته و حال حاضر و آینده مورد مطالعه قرار دهیم .

در دوره سیروس و داریوش امپراطوری ایران از هندوکش تا مدیترانه و از خلیج فارس تا دانوب و سیر دریا ممتد بود، در دوران پارتی ها و ساسانیان امپراطوری ایران بسرحداث طبیعی خود یعنی بین آمو دریا از يك طرف و فرات از طرف دیگر میرسید .

هجوم مغول بسرکردگی چنگیزخان و عقباب او و تیمور لنگک سبب خرابی نصف مملکت و هلاکت ملیونها نفوس گردید . از آن پس ایران درطرف قرون سیزده و چهارده و پانزده بواسطه نزاع طوائف داخلی زبانهای مفصلی دید و بالاخره در اوایل قرن شانزدهم بواسطه سمی و جنبش مؤثری ایران مصمم گردید که اتحاد ملی خود را محکم نموده اراضی خویش را از تعدی دیگران مصون نماید باین معنی که سلاطین صفویه سرحداث ایران را تقریباً به مرز اولیه زمان ساسانیان رسانیدند. لیکن بعداً پادشاهان صفویه با عداوت و جنگ دولت عثمانی مواجه شدند و دولت اخیر پس از غلبه بر قسطنطنیه جانشین خلیفه شده و فرمانروایان آن میل نداشتند و نمیتوانستند وجود يك کشور قوی مسلمان را در جوار خود نادیده بگیرند .

يك مقاومت شدید متعاقب جنگهای خونین که از طرف صفویه تحمل شد موجب گردید استقلال ایران تضمین شود . هنگامی که پطرس کبیر روسیه را تحریص کرده بود که بعدها باید ملت روس ملت مهاجمی شود ایران با دشمن دیگری مواجه شد که از دولت عثمانی قویتر بود به برکت نفاق و دو دستگی هائی که در اوایل قرن هیجدهم سبب انقراض سلسله صفویه گردید دولت روسیه که ایالت ساحلی بحر خزر را گرفته بود قسمت غربی کشور ایران را بدولت ترکیه واگذار نمود. خوشبختانه ظهور نادرشاه سلحشور نابغه که برخی از مورخین مشارالیه را بناپارت ایران نامیدمانند این طرح زیان آور را که از جاه طلبی سرچشمه گرفته بود در هم ریخت و یا لافل موجب تأخیر اجراء آن گردید .

يك قرن بعد دولت ایران بواسطه صد سال جنگ و اغتشاشات داخلی ناچار بطی مراحل و سرنوشت جدیدی در دوران قاجاریه گردید و از آن پس ایران صحنه سیاست دولترین روسیه و ترك شد. در مقابل ترکها ایران با پیروزی دفاع کرد بدون آنکه بتواند موضوع سرحداث غرب را یکسره نماید، لیکن بدو وهله درابتدای قرن نوزدهم درمقابل روسیه شکست خورد و هربار قسمتی از اراضی خود را از دست داد و ناچار بتأدیه مبلغ سنگین غرامت نیز گردید. بهلل شکست های مذکور قدرت آنرا نداشت که آرامش و حکم خود را در ایالات ماوراء قفقاز برقرار و نافذ نماید بخصوص

که غالب ساکنین آن طوائف چادر نشین و بربر و ترکمن و همگی مردمانی آشوب طلب بودند. بالمال دولت روسیه از این وضع استفاده نموده مجدداً در مقام توسعه ارضی برآمد.

چون دولت ایران خود را قادر بمخالفت و ممانعت نمیدید تا چار بقبول معاهده‌ای که سرحد را «خراسان» تعیین نموده بود تن درداد - واسطه این تعیین و تحدید مرز دولت روسیه نه فقط قسمت اعظمی از اراضی ایران را برد حتی شرایط ظالمانه نیز بر او تحمیل کرد از آنجمله ساکنین دهات سرحدی را ممنوع نمود از اینکه اراضی را که از حدود مقرر تجاوز می کرد کشت و زرع نمایند ، یا از آبی که سرچشمه آن در خاک ایران و جانب روسیه روان بود استفاده کرده و بیاشامند . توسعه دولت مسکو در آسیای مرکزی و خیالاتی که نسبت به هندوستان داشت دولت انگلیس را متوجه خطر نمود و این امر سبب ایجاد دوئیت و رقابت روس و انگلیس گردید .

بملاحظاتی چندی برای کشور ما خوب بود که دولت بریتانی کبیر برای حفظ تعادل در مقابل روس قد علم کند ولی مآلاً چون کشور ایران بین دو دولت قوی واقع شده از لحاظ اقتصادی بخصوص زیان‌هایی دید مضافاً باینکه دولت روسیه تمام منافع اقتصادی را برای خود و بوسیله خسویشتن میخواست تأمین کند چنانکه بدون همراهی با ایران مدعی بود که مساعدت‌های اقتصادی با ملت میکند ولی بهیچوجه میل نداشت که کشور ما سرمایه خارجی را بخود جلب نماید و بواسطه نفوذی که در ایالات شمال و بالنتیجه در دربار پیدا کرده بود بمنظور خویش فائق آمد و بالاخره در سال‌های اول قرن بیستم موفق شد که ایران را کاملاً تحت سلطه و نفوذ خود درآورد تا جائی که شاه را مجبور کردند در مقابل عوائد گمرکات شمال دوققره استقرض از بانک روس طهران که در حقیقت تابع وزارت مالیه روس بود بنماید .

مردمان وطن پرست روشن فکر که از وضع ایران فهمیدند کشور سریعاً روزوال می‌رود و بواسطه رژیم حکومت فردی و مطلق که قادر بمقاومت در مقابل روس و بهبود بخشیدن باوضاع نیست دیگر تاب بیاورده از شکست همسایه شمالی در جنگ با ژاپن استفاده کرده مبادرت به یک نهضت ملی نمودند و در پرتو کمک معنوی انگلستان ملت موفق شد در ۱۹۰۶ از مظفرالدین شاه مشروطیت و پارلمان را بگیرد. همین که روسها واقف شدند این تغییر رژیم بزبان سیاسی آنها منجر و مانع از انجام نقشه‌های قبلی آنها خواهد شد برای خفه کردن و محو این جنبش‌ها به فبیجترین وسائلی متبیت شدند. در همین وقت بیداری ملت ایران حکومت بریطانی را نیز مشوش کرد بنابراین با دولت روسیه که در نتیجه شکست از ژاپن ضعیف شده بود قرارداد ۱۹۰۷ پترزبورغ را منعقد نمود .

این قرارداد ایران را بدو منطقه نفوذ تقسیم کرد :

۱ - منطقه نفوذ روس شامل تمام حوزه شمالی .

۲ - يك منطقه انگلیسی حاوی ایالات جنوب شرقی .

اگرچه در دیباچه قرارداد تصریح شده بود که استقلال و تمامیت ارضی ایران بوسیله روس و انگلیس محترم شمرده خواهد شد و امضاء کنندگان قرارداد از دخالت در امور داخلی کشور خودداری خواهند نمود و قرارداد تقسیم ایران بدو منطقه صرفاً جنبه اقتصادی دارد اما این تعهدات هیچگاه جامه عمل بخود نپوشید. صرف ایجاد منطقه نفوذ برای روس اسباب اعتقاد او بود که در قسمت خود قدرت کاملی را اعمال کرده و مانند قطعه از کشور خویش در آنجا عمل نماید. بنابراین

دولت روسیه ابتدا دربار را وادار نمود که بر علیه احساسات و تظاهرات آزادیخواهان مخالفت و بعداً اقدام بیک کودتای شدید نماید. بالنتیجه پارلمان بمباران شد، آزادیخواهان و حتی و کلاه قتل عام یا محبوس و با تبعید گردیدند و غالب این عملیات بوسیلهٔ بریگاد سوار روس که بطرز فزاینده تعلیم یافته و فرماندهی آنها را روسها عهده دار و در خدمت دولت بودند انجام شد.

بمباران پارلمان نتایج طبیعی خود را ظاهر نمود. آزادیخواهان که در پایتخت شکست خوردند جبهه‌ها و جرگه‌هایی در شهرهای دیگر درست کردند مخصوصاً در تبریز حکومت نشین آذربایجان، از آنجا مدت یکسال با دربار جنگ و جدال داشتند اما چون آذوقه در تبریز بواسطهٔ محاصرهٔ قوای دولتی رو بنقصان نهاده بود روسها به بهانهٔ کمک رساندن بخارجی‌های مقیم شهر وارد تبریز شدند و اعلام کردند که قصد اشغال آن شهر را ندارند بلکه بمحض امکان تبریز را تخلیه خواهند نمود ولی بالعکس مدت ده سال تا انقراض خانوادهٔ تسار در مقابل پرتست‌های دولت در آنجا ماندند. همین کسه آزادیخواهان برای گرفتن شاه و تجدید مشروطیت بطرف پایتخت پیشروی کردند. قوای روس با آنکه کمترین خطری برای خارجی‌ها نبود به بهانهٔ حفظ جان و مال اتباع خارجه بطرف مرکز رهسپار شدند و چون دولت تسار قوی بود بمصداق حرف حساب از دهان توپ خارج میشود گوش باین اعتراضات امیداد و در قزوین ۱۴۰ کیلو متری طهران لشکر روس توقف نمود و مرتباً مرکز را باشغال نظامی تهدید میکرد.

سه سال بعد از قرارداد ۱۹۰۷ « روس و انگلیس » تمام ایالات شمالی ایران بوسیلهٔ قشون روس اشغال گردید و هنگامی که دولت ایران علت این تجاوز و ناروایی را استفسار نمود حتی جوابی هم باستیضاح ایران ندادند.

از جانب ترکها هم ایران بحد کافی زیان دید زیرا هر چند عثمانی از اوج ترقی و عظمت سابق نزول کرده بود لیکن بعضی از ایران در دل داشت زیرا کشور ما مانع مقاصد و نقشه‌های ترکیه راجع بایجاد یک عثمانی قوی بود بنابراین هر موضوع کوچکی را دستاویز قرار میداد. بزودی قضیه سرحدات را بهانه قرار دادند و بهمین استناد چادر نشینان، بدویان رحتی افراد چریک خود را روانه خاک کشور ایران نمودند.

از نظر صلح جوئی ایرانی‌ها حاضر شدند حتی منطقهٔ سلیمانیه را هم بعمانی‌ها واگذار نمایند ولی مع الوصف دولت خشن و جنگجوی عثمانی هیچگاه از ایجاد آشوب و بهم زدن وضعیت همسایه صلح جوی خود فروگذار نمیکرد. با اینهمه مشکلات ملیون ایران توانستند قدرت خود را باز یافته مبانی مشروطیت را تحکیم و پارلمان را باز کنند و همچنین در ۱۹۰۹ با عزم راسخی مشغول بپیمودن طرق اصلاح و دادن تشکیلات گردیدند.

در همین هنگام چرخ عملیات و تظاهرات عمال دولت تزاری بکار افتاد و مظالم وحشت آوری را مرتکب شد، مظالمی که سربازان و افسران روسی در اراضی و ایالات اشغال شده مرتکب میشدند غیر قابل تصور و توصیف بود. تحریکات و دسایسی که مأمورین دولت روسیه برای تضعیف حکومت و مرعوب کردن مردم بکار میبردند ادامه داشت در عین حال مرتجعین و خائنین مزدور روسیه بودند و کلیهٔ وسائل اغتشاش و بلوا محرمانه با علناً بوسیله مأمورین سیاسی یعنی قونسول و سفیر روس حمایت و اداره میشد ناچار حکومت و دولت ایران هم هر چه سعی و قدرت و وسائل مادی و معنوی داشت باید صرف مقابله با تحریکات خارجی‌ها بکند و ای کاش فقط دولت روس به تحریکات محرمانه و خصوصی اکتفا میکرد ولی متأسفانه رفته رفته از طریق دیپلماسی نیز از اعمال هر نوع مظالم نسبت

بایران فروگذار نمیکرد .

در ۱۹۱۰ وزرای مختار روس و انگلیس یادداشت مشترکی بدولت ایران دادند و مصلکت را از دادن هر گونه امتیازی بخارجی ها که بالنتیجه یزبان منافع سیاسی و نظامی دو دولت نامبرده باشد ممنوع نمودند .

در ۱۹۱۱ که ایران برای حفظ استقلالش در مقابل روس و انگلیس مشغول اصلاح امور مالی خود بود که بالنتیجه بتواند دیون خود را نیز تأدیه نماید دولت روسیه با ارسال يك التیماتوم دولت را مجبور نمود هر گان شوستر مستشار مالیه و همکارانش را که ترمیم و اصلاح مالیه ایران بآنها محول شده بود از کشور اخراج نماید .

ضمناً کشور را مجبور کردند که بعدها هر وقت مأمورین و مستخدمین خارجی را بخواهد در امور اداری مملکت دخیل نماید قبلاً موافقت روس و انگلیس را جلب نماید .

در سال ۱۹۱۲ دولتین روس و انگلیس و مفاد قرارداد ۱۹۰۷ را بایران یادآور شده و مجبوروش کردند که مدلول آنرا تقبل و تمکین نماید .

در ۱۹۱۳ دولتین روس و انگلیس مالیات مؤدبان ایرانی مورد حمایت خود را بجای اینکه پسندوق خزانه تأدیه نمایند خود مستقیماً دریافت مینمودند. با این مداخلات و اختلال در رشته های مالی کشور دولت روس بمردم نشان داد قول و تمهداتی که نسبت باستقلال ایران داده بود چگونه است از جمله دولت ایران افسرانی از سوئد برای اصلاح ژاندارمری و پلیس استخدام کرد دولت روسیه از ورود و دخالت آنها در ایالات شمالی صراحتاً ممانعت نمود و مدعی شد که نظم و آرامش را در ایالات مزبور قوای قزاق تحت فرماندهی افسران روس حفظ خواهند کرد و بدین وسیله اشغال قسمتی از مملکت را بیول وهزینه ایران مسلم نمود. از آن پس روسها شروع بیک اقدامات بر علیه مقدسات مذهبی نمودند از آنجمله بمباران مرقد حضرت رضا در مشهد ، بدار آویختن متنفذین و رؤسای مذهبی در تبریز روز دهم عاشورا یعنی همان روزی که مسلمان ها برای شهادت امام حسین پس پیغمبر عزاداری مینمایند .

از شرح و بسط وسائلی که برای محو تجارت و صناعت بکار میبردند و هم چنین از واگذاری بعضی امتیازات با شرایط فوق العاده نامطلوبی بیک عده خارجی و نیز از تحمیل تعرفه های گمرکی غیر قابل تحمل بایران و بالنتیجه بستن راه دروازه های تجارت دنیا از طریق روسیه بروی ایران میگذریم .

دولت ایران مأیوسانه دست و پا میکرد که از حلقه محاصره که دولتین روس و انگلیس ایجاد نموده بودند رهائی یابد و چون دولت فرانسه از ایران دور بود و ملیون از کمک خدائی مایوس بودند کاری نتوانستند از پیش ببرند .

جنگ عالمگیر شروع شد ایران وسط دوفشار گمرشکن قرار گرفت. ترکیه و متحدین اصرار داشتند ما بفتح آنها وارد جنگ شویم تا در نتیجه فتحشان از شر فشارهای متفقین آسوده شویم . روس و انگلیس تقاضا داشتند ما بیطرف بمانیم تا تمامیت و استقلال ما را یکبار دیگر تضمین کنند. ایران بیطرفی را ترجیح داد لکن برای اینکه این بی طرفی را دیگران هم عملاً برسمیت بشناسند و ایرانیها هم بمواعید روس و انگلیس مطمئن شوند لازم بود قوای روس خاک ما را تخلیه کند و از تحرکات و اتزیک های سابق دست بکشند . ولی متأسفانه نه تنها روسها چنین نکردند بلکه دعوی استقلال و بیطرفی ما را با نهایت تعجب تلقی نمودند .

ترکها هم بنوبت خود به بیطرفی ما خندیدند و صرف حضور قوای روسیه را در ایران نشانه نقض بیطرفی ما و خطری برای امنیت خودشان تلقی کردند. قوای چریک، عشایر ترک و بعد هم قوای نظامی خود را بطرف آذربایجان و کردستان و کرمانشاه پیش راندند و در نتیجه صحنه غربی ایران میدان جنگ خونین شد. گاهی ترکها روسها را تا نزدیک تهران عقب نشاندند بطرف پایتخت تهدیدشان میکردند و گاهی بعکس روسها ترکها را تا سرحد ایران میراندند.

بدیهی است در این کشمکشها بر سر ایران و ایرانی چه آمد، تمام مزارع، خانهها و باغها سوخته و خراب و غارت شده است و عده بشمارای از اهالی ایران کشته شده اند. روسها و ترکها با شهرهای ایران مانند سرزمین اشغال شده معامله میکردند و در نتیجه نیمه غربی ایران از تحمل هر گونه غارت و خرابی، تهیه آذوقه و پرداخت غرامت معاف نمانده است.

باسقوط بغداد بدست انگلیسها و انقراض تزاریسیم در روسیه ایران تصور کرد نفسی براحت خواهد کشید، چه اشتباه بزرگی!

ترکها هر چه در جنوب ناتوان شده بودند بر فعالیت و قتل و غارتشان در آذربایجان افزودند، واحدهای نظامی روس هم در نتیجه سقوط حکومت مرکزی دیسپلین نظامی را کنار گذاشته بجنگ قتل و غارتی دست زدند که نظیر آن کمتر دیده شد، قحطی و امراض مسریه (نتیجه فحری جنگ) ایرانیان بدبخت را از پای درآورد.

سال ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸ در تاریخ ایران سابقه ندارد صدها هزار ایرانی از گرسنگی مردند، خسارت شهرهای خراب شده و مزارع ویران شده بصدها میلیون تومان بالغ میشود.

دولت ایران که این بدبختیها را پیش بینی کرده بود بیطرفی را اختیار کرده و صمیمانه کوشیده بود آنرا بقبولاند، تعجب اینجاست که روس و انگلیس با اینکه از نظر علاقمندی باسیا لازم بود از ایران استمالت کنند مطلقاً باین حوادث و تضرع ایران توجه نکردند.

بالاخره از ۱۹۱۵ ایران میدید که بیطرفیش را محترم نمیشمارند و از هر طرف بضر او تمام میشود. نمایندگان متفقین از تحریک دست نمیکشند. روسها از خسوفت دست برنمیدارند. انگلیسها باین اوضاع اهمیت نمیدهند. ترکها سعی دارند جنگشان را در نظر ایرانیها مذهبی جلوه دهند. بالجمله ایران در عین بیطرفی تمام عواقب وخیم جنگ را تحمل کرد دولت ایران صلاح دید طرح اتحادی بمتفقین پیشنهاد کند. بدو شرط:

۱ - استقلال و تمامیت ایرانرا عملاً احترام کنند.

۲ - از نظر پول و اسلحه با ایران کمک کنند تا بنحو مؤثری در جنگ شرکت کند.

ولی روس و انگلیس کمترین تغییری حاضر نشده در برنامه خود بدهند.

چند ماه بعد از دولت ایران خواستند که منابع مالی خود را تحت کنترل کمیته مختلطی از روس و انگلیس و ایران قرار دهد تا فزاقهای روس در شمال و پلیس جنوب در جنوب امنیت ایران را تأمین کنند.

بدیهی است دولت ایران نمیتوانست این پیشنهاد را بپذیرد بنابراین ناچار بود، اولاً بیطرف بماند. ثانیاً برفع متفقین اگر بخواهند وارد جنگ شود، ثالثاً ایام بدبختی را با امید روزهای بهتری تحمل کند.

ظاهراً آن روز بهتر امروز است .

جنگ تمام شده متفقین پیروز شده‌اند. دوره عدالت و انسانیت در تاریخ سیاست شروع شده آیا بر سر ایران چه خواهد آمد؟ ایران متمدن سه هزارساله تنها در محکم دینیت که در قرون قدیمه در مقابل حملات هون‌ها و تورانیها مقاومت کرده و دنیای غرب را از خطر حمله وحشیانه آنها محافظت نمود، مشعل روشنی که در ایام تیرگی اوضاع اروپا در قرون وسطی دنیای متمدن آنروز را از نظر علم، هنر، فلسفه و ادبیات روشن داشته است!

با چنین ایرانی چه معامله خواهند کرد؟ آیا چنانچه شایسته است با او بعدالت رفتار خواهد شد؟ آیا زورمندان فاتح چنانچه مدعی بودند که برای حق و آزادی میجنگند بملت ستم دیده و با هوش ایران اجازه خواهند داد در محیط امنیت صلح و استقلال زندگی کند؟

## پایان

این مقاله از روزنامه قدیمی نقل شد و ازین روی است که جای جای مطالب روشن بنظر نمی‌رسد. متن انگلیسی و فرانسه این خطابه را که یادگاری از مرحوم فروغی است در دفتر مجله یغما می‌توان یافت اما مجالی برای جستجو و تطبیق نیست.

آنچه بیاد می‌آید این است که نمایندگان ایران محمد علی فروغی و مشاور الممالک انصاری را در مجمع عمومی صلح پاریس پذیرفتند، یا همین قدر اجازه دادند که خطابه اشان خوانده شود.

سید ابوالقاسم ذره قطعه‌ای مؤثر دارد که دو بیت آن بیاد مانده است:

شنیده‌ایم اروپائیان به مجلس صلح نداده‌اند رضایت به میهمانی ما  
چهار قرن بر این قوم میزبان بودیم چهار روز نکردند میزبانی ما  
اگر اهل تحقیق و تاریخ توضیحی دقیق بفرمایند بجاست.

## مجله یغما

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

محمد جعفر حبیب‌الله زاده  
اخگر

## حرمان

چند ما نم اندرین حرمان بجان غمناک چند  
وندرین محنت باشک چشم گریانم مخند  
تا تو درمانی بود این جان مسکین دردمند  
هم نهی بر عاشقان از گیسوی پرچین کمند...  
سوخت این آتش مرا ای مونس جان بند بند  
طالبانت را بیا خار میلان چون پرند  
در بروی آشنایان وفا آیین میند  
حالی در گوش اشگر ناصحا باد است هند

دست من کوتاه باشد دامن جانان بلند  
اندرین حسرت بسوز جان نالانم ببخش  
تا تو مشوقی بود این قلب شیدا عشق‌باز  
هم کشی بر بیدلان از ابروی مشکین کمان  
چون تنالم همچونی از در دهجران روز و شب  
عاشقانت را بکف زهر هلاهل چون شکر  
ای جفا جو بیش ازین از فتنه بیگانگان  
دل بر دلدار شد جان در پی جانان فتاد